

نقش کتابخانه‌های عمومی در تحقق اهداف فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای ایران ۱۳۶۸-۱۳۸۳

لیلا مکتبی فرد^۱

چکیده

امروزه نقش زیربنایی فرهنگ در همه تحولات اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی برای دولت‌ها تعریف شده است. از این رو، در برنامه‌ریزی‌ها بخشی ویژه فرهنگ در نظر گرفته می‌شود. تاکنون سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۸۳) در جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرا شده است و هر یک از آنها در بخشی مجزا به تعریف اهداف فرهنگی پرداخته‌اند. کتابخانه‌های عمومی با توجه به اهداف و رسالت‌هایی که برای آنها معین شده است، می‌توانند نقش عمده‌ای در تحقق اهداف فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای ایفا کنند. در این پژوهش قوانین، مستندات، پیوست‌ها، و دیگر متون مرتبط با سه برنامه توسعه بررسی شده و بیش از پنجاه بند که در تعامل مستقیم و غیرمستقیم با کتابخانه‌های عمومی بوده‌اند، بازیابی شده‌اند. سپس این موارد با توجه به اهداف و رسالت‌های کتابخانه‌های عمومی که در آخرین رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی آمده است، تفسیر شده‌اند. به نظر می‌رسد که کتابخانه‌های عمومی با توجه به کارآیی و رسالتی که برای آنها متصور است، هنوز به جایگاه درخوری در برنامه‌های توسعه‌ای ایران نرسیده‌اند.

کلیدواژه‌ها

کتابخانه عمومی، برنامه‌های توسعه‌ای ایران

مقدمه

امور نظامی و دفاع از مرزها در مقابل تهاجم نیروهای خارجی می‌شد (۱۳: ۱).
این برنامه‌ریزی‌ها که ابتدا فقط مختص امور اقتصادی بودند، اندک اندک رنگ و

برنامه‌ریزی از ضرورت‌های دنیای جدید به شمار می‌رود. دولت‌ها عموماً پس از جنگ جهانی دوم به برنامه‌ریزی در ابعاد کلان پرداختند، پیش از آن همه اتمام آنها صرف

بوی فرهنگی - اجتماعی به خود گرفتند، به گونه‌ای که امروزه دولت‌ها برای رسیدن به اهداف مختلف، در تمام امور اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی به صورت برنامه‌ریزی شده دخالت می‌کنند (۱۳: ۲).

به گواهی متون رسمی دولتی، در ایران، نخستین بار در ۱۳۱۶ فکر تدوین یک برنامه عمرانی مطرح شد، اما اجرای آن به شکل رسمی تا ۱۳۲۵ به تعویق افتاد و در تابستان آن سال بود که پیش‌نویس نخستین برنامه هفت ساله عمرانی (۱۳۲۸-۱۳۳۴) در دولت احمد قوام به تصویب رسید و در بهمن همان سال نیز مجلس شورای ملی آن را تصویب کرد. "این برنامه حدود دو سال به اجرا درآمد و عملاً به دلیل بحران اقتصادی ناشی از ملی کردن صنعت نفت ناتمام ماند" (۴: ۷).

تا پایان دوره حکومت پهلوی در مجموع پنج برنامه عمرانی تصویب و اجرا شد و برنامه ششم نیز با پیروزی انقلاب اسلامی هرگز اجرا نشد.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، این برنامه‌ها عمدتاً در زمینه امور اقتصادی بودند. البته این امر طبیعی بود، زیرا اساساً بروز بحران‌های اقتصادی و فقر و بیکاری سبب تدوین چنین برنامه‌هایی شده بود. به همین دلیل طراحان برنامه‌ها بر این باور بودند که به اجرا درآوردن طرح‌های عمرانی برای پیشرفت اقتصادی بهترین دستاوردی است که می‌توان از این برنامه‌ها به دست آورد، اما در خلال تدوین برنامه دوم عمرانی (۱۳۳۴-۱۳۴۱) کارشناسان سازمان برنامه و بودجه کم کم به ضرورت توجه به برنامه‌ریزی در ابعاد

اجتماعی پی بردند (۴: ۱۵). اگر چه توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در عمل تا طراحی برنامه پنجم عمرانی به تعویق افتاد و فقط در این برنامه بود که "ارتقای هر چه بیشتر سطح دانش و فرهنگ و بهداشت و رفاه جامعه" به عنوان نخستین هدف این برنامه ذکر شده بود (۴: ۲۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ابتدا به دلیل نبود ثبات سیاسی و پس از آن به دلیل بروز شرایط اضطراری جنگ تحمیلی، هرگونه برنامه‌ریزی عملاً غیرممکن بود. سقوط شدید قیمت نفت و پایین آمدن صادرات آن، که در واقع بزرگ‌ترین ضربه را به اقتصاد متکی بر نفت ایران وارد می‌کرد، سبب شد با وجود تلاش‌هایی که از ۱۳۶۰ در این زمینه آغاز شده بود، نخستین برنامه تا ۱۳۶۸ به تعویق افتد و به این ترتیب اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

با توجه به حساسیت‌های فرهنگی برنامه‌ریزان نظام، همواره سعی بر این بوده است که نقش و اهمیت فرهنگ در همه قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود. بر این اساس، در بخش‌هایی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مقوله فرهنگ پرداخته شده است. از جمله، در مقدمه قانون اساسی آمده است: "وسایل ارتباط جمعی باید در جهت روند تکامل انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید..." "همه"

افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند" (۱۴: ۲۸). با عنایت به همین اصول بود که در برنامه‌های توسعه نیز جایی برای بخش فرهنگ در نظر گرفته شد که در برنامه اول ممکن است تا حدودی مختصر و کم رنگ بوده باشد، اما اندک اندک، در برنامه‌های دوم و سوم بیشتر به مسائل فرهنگی پرداخته شد.

توسعه فرهنگی جزئی از مفهوم توسعه است، اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که دستیابی به توسعه فرهنگی به مراتب دشوارتر از توسعه در دیگر بخش‌ها، نظیر توسعه اقتصادی و سیاسی است. توسعه فرهنگی از فرایندهایی است که هرگز نمی‌توان آن را به شکل سطحی و کوتاه‌مدت در جامعه مطرح کرد، زیرا این مقوله به زیرساخت‌های محکم و مداوم فکری نیاز دارد. در حقیقت، توسعه فرهنگی زمانی در جامعه‌ای تحقق می‌یابد که ذهنیت افراد آن جامعه متحول شده و همگان به امکانات فرهنگی موجود در جامعه به شکل یکسان دسترسی داشته باشند.

کتابخانه‌های عمومی را از مظاهر دموکراسی در دنیای جدید دانسته‌اند. چرا که در حقیقت پایه‌های دموکراسی بر آزادی بیان و اندیشه نهاد شده است، و کتابخانه عمومی نهادی است که با کمک به رشد و شکوفایی اندیشه افراد جامعه به آنها کمک می‌کند تا با دانش و احاطه بیشتری عقاید خود را ابراز کنند. کتابخانه عمومی این فرصت را برای

همه افراد جامعه فراهم می‌کند که به شکلی فعال در امور فرهنگی و اجتماعی جامعه خود دخالت داشته و در فرایندهای فرهنگی جامعه نقش مؤثری ایفا کنند.

بیان مسئله

مقوله‌هایی که در بخش فرهنگ برنامه‌های توسعه همواره به آن پرداخته شده است، مقوله کتاب، کتابخانه، و به ویژه کتابخانه‌های عمومی است. گردآوری، ذخیره و اشاعه کتاب یا اطلاعات، در کتابخانه‌ها انجام می‌شود. هر کتابخانه بسته به وظیفه و اهداف خود سعی در برآوردن نیازهای اطلاعاتی مخاطبان خود دارد، و عام‌ترین مخاطب را همواره کتابخانه‌های عمومی پیش روی خود دارند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین نهادی که در هر کشور موظف است به نیازهای فرهنگی و اطلاعاتی همه اقشار جامعه - بدون در نظر گرفتن سن، جنس، مذهب، شغل، میزان تحصیلات، و دیگر خصوصیات و توانایی‌های فردی- پاسخ دهد، کتابخانه عمومی است. "حضور کتابخانه عمومی در هر کشور یک مرجع فرهنگی برای جامعه تلقی می‌شود. نقش این مرجع فرهنگی این است که با قرار دادن افکار، عقاید، و حاصل اندیشه‌های خلاق در کنار یکدیگر، وسیله‌ای برای ایجاد علاقه به مطالعه و تحقیق برای افراد جامعه پدید آورد" (۱۱: ۳۴).

نقش کتابخانه‌های عمومی را به عنوان یک نهاد فرهنگی در توسعه این بخش نمی‌توان نادیده گرفت. بیانیه یونسکو درباره کتابخانه‌های عمومی بیان می‌کند که "کتابخانه عمومی

دروازه‌ای است به سوی دانش که شرایط اساسی را برای یادگیری مداوم، تصمیم‌گیری مستقل، و توسعه فرهنگی افراد و گروه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد" (۱۶: ۱).

علاوه بر این، در تحقق اهدافی که در بخش فرهنگی تعریف شده است، می‌توان یک نقش فرابخشی نیز برای کتابخانه‌های عمومی قائل شد. بدین معنی که علاوه بر بندهایی که در آنها صراحتاً به کتابخانه‌های عمومی پرداخته شده است، بسیاری از اهداف فرهنگی به شکل غیرمستقیم از طریق کتابخانه‌های عمومی قابل دستیابی‌اند و در بخش توسعه فرهنگی می‌توان برای کتابخانه‌های عمومی نقشی زیربنایی قائل شد.

در ایران توجه به امور فرهنگی چند سالی است که توجه مسئولان را جلب کرده است. یکی از عوامل رشد و توسعه فرهنگی، کتابخانه‌های عمومی هستند. به نظر می‌رسد که در برنامه‌ریزی‌های دولت، کتابخانه‌های عمومی باید جایگاه درخوری داشته باشند، زیرا این دو عامل رابطه‌ای دو طرفه دارند. بدین معنا که از طرفی کتابخانه‌های عمومی به حمایت همه جانبه دولت‌ها نیاز دارند تا بتوانند به وظایف خود عمل کنند، و از سوی دیگر، هر چه این نهاد موفق‌تر و مستحکم‌تر در جامعه عمل کند، در بهبود وضع فرهنگی جامعه گام‌های مؤثرتری برداشته خواهد شد. این پژوهش بر آن است که کیفیت این رابطه را در ایران کشف کند.

با در نظر داشتن چنین شرایطی، ما در دو سوی این رابطه با دو پدیده مواجه هستیم:

یکی برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اهدافی که در این برنامه‌ها تعریف می‌شود؛ و دیگر کتابخانه‌های عمومی و نقش زیربنایی و مهمی که در تحقق این اهداف برای آنها قائل هستیم.

بسیاری از اهداف و راهبردهایی که در بخش‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه تعریف شده است، در حقیقت همان اهداف و وظایفی است که عموماً برای کتابخانه‌های عمومی برمی‌شمارند. در این مقاله سعی خواهد شد تا با تحلیل برخی از این اهداف و وظایف، مصادیق آنها در برنامه‌های توسعه نشان داده شود.

۱. ارتقای سطح دانش و فرهنگ جامعه

یکی از عمده‌ترین وظایف کتابخانه‌های عمومی کمک به اعتلا و ارتقای دانش جامعه است. در آخرین رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی < آمده است: "نقش مهم کتابخانه عمومی ایجاد تمرکز بر رشد فرهنگی و هنری در جامعه است" (۱۷: ۴).

در بیانیه یونسکو نیز از کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان بزرگراهی برای رشد فرهنگی افراد و گروه‌های اجتماعی نام برده شده و از رسالت‌های مهم کتابخانه‌های عمومی ارتقای آگاهی افراد از میراث فرهنگی و نیز حمایت از گفت‌وگوهای فرهنگی و تنوع فرهنگی ذکر شده است (۱۶: ۲).

به "نقش اساسی" کتابخانه عمومی در "پیشرفت فرهنگ عمومی" در آیین‌نامه کتابخانه‌های عمومی تابع اداره کل کتابخانه‌ها نیز اشاره شده است. در قسمت‌هایی از اصل

سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است:

"بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر" (۱۴: ۲۶).

یکی از مواردی که می‌توان از آن به‌عنوان "وسایل دیگر" نام برد، کتابخانه‌های عمومی است. زیرا "کتابخانه‌های عمومی می‌توانند واسطه‌ای باشند میان مردم و صاحبان تفکر و هنرمندان؛ و از آنجا که عامل اساسی رشد فرهنگ و دانش در جامعه روشنفکران به مفهوم عام هنرمندان و متخصصان آن جامعه هستند، کتابخانه عمومی می‌تواند با ایجاد ارتباط میان این گروه‌ها و توده مردم آگاهی‌ها و دانش‌های موجود را در سطح عموم منتشر ساخته و به این شکل زمینه رشد و توسعه فرهنگی را فراهم آورد" (۹: ۴۸).

در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور نیز یکی از اهداف کلی تعریف شده در این‌باره چنین است: "گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان..." (۶: ۳۲).

در برنامه دوم نیز در قسمت هدف‌های کلان کیفی مجدداً با همین عبارت یعنی "ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه" از هدف مذکور یاد شده است (۷: ۱۳).

در بخش خط مشی‌ها و سیاست‌های این قانون (قانون دوم) نیز آمده است: "تلاش برای ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه

به‌ویژه نسل جوان به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی" (۳: ۸-۳).

در پیوست شماره ۲ لایحه برنامه سوم نیز در قسمت رهنمودهای کلی مصوب هیئت وزیران آمده است: "مصونیت فرهنگی جامعه به‌ویژه نسل جوان به‌عنوان جهت‌گیری اصلی سیاست‌های فرهنگی کشور تلقی شده و در این راستا ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی، زمینه‌سازی مناسب برای شکوفایی معرفیت و خلاقیت‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی، و هنری مدنظر قرار می‌گیرد. اعتلای معرفت دینی و درونی شدن و ارتقای ارزش‌های فرهنگ دینی و ملی و انقلاب اسلامی در همه ابعاد مورد تأکید قرار می‌گیرد" (۵: ج ۱، ص ۲۹۵). در جلد دوم پیوست لایحه نیز آنجا که مشکلات و تنگناهای بخش فرهنگ، هنر، و تربیت بدنی را برمی‌شمارد، به این صورت به موضوع اشاره شده است:

"نبود ارتباط کافی و کارساز میان دانشگاه و بخش‌های فرهنگی و ضعف آموزش و پژوهش در ارتقای فرهنگ جامعه به‌ویژه تحکیم باورهای دینی" (۵: ج ۲، ص ۲۹۵). یکی از بارزترین مشخصه‌های کتابخانه‌های عمومی که در حقیقت در تعریف این نوع کتابخانه نیز به آن اشاره شده است، ایجاد امکان دسترسی به اطلاعات برای همه اقشار جامعه است: "کتابخانه عمومی سازمانی است که توسط جامعه، و یا دولت‌های ملی، محلی، یا منطقه‌ای و یا از طریق اشکال دیگر سازمان‌های اجتماعی، تأسیس، حمایت، و بنیان نهاده می‌شود. کتابخانه عمومی امکان

دسترسی به دانش، اطلاعات، و آثار خلاق را از طریق یک سلسله منابع و خدمات فراهم می‌آورد که این منابع و خدمات به شکلی یکسان برای کلیه اقشار جامعه بدون در نظر گرفتن نژاد، ملیت، سن، جنسیت، مذهب، زبان، معلولیت، وضعیت شغلی و اقتصادی، و مهارت‌های تحصیلی در دسترس آنان قرار می‌گیرد" (۱۷: ۱).

۲. امکان دسترسی به اطلاعات برای همه اقشار جامعه

حق خواندن و دسترسی یکسان به منابع اطلاعاتی حقی است که امروزه در بیشتر جوامع به رسمیت شناخته می‌شود. این نکته را رانگاناتان، کتابدار و فیلسوف هندی، در ۱۹۳۱ به صورت یکی از اصول پنج گانه خود مورد تأکید قرار داده است. اصل "هر خواننده‌ای کتابش" در حقیقت گویای حق دسترسی یکسان به اطلاعات است.

در رهنمودهای ایفلا نیز آمده است: "یکی از اصول بنیادی کتابخانه‌های عمومی این است که خدمات آن برای همگان قابل دسترسی باشد و به یک گروه خاص در جامعه که منجر به محرومیت سایر گروه‌ها می‌شود، محدود نباشد" (۱۷: ۵).

خدمات کتابخانه‌های عمومی باید به گونه‌ای باشد که گروه‌های اقلیت جامعه که به هر دلیلی نمی‌توانند از خدمات معمولی آن بهره‌مند شوند به شکلی یکسان با دیگران از آن استفاده کنند. در بیانیه اخیر یونسکو درباره کتابخانه‌های عمومی نیز به همه موارد بالا اشاره شده است (۱۶).

در اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند" (۱۴: ۲۸).

در قانون برنامه اول نیز به همگانی کردن فعالیت‌های فرهنگی اشاره شده است (۶: ۳۳). و در برنامه دوم، این هدف به این شکل دنبال شده است: "... ایجاد زمینه دسترسی اقشار به فرهنگ مکتوب..." (۳: ۱-۸). در قانون برنامه سوم نیز "... گسترش عدالت اجتماعی و فراهم کردن امکان [برخورداری] عادلانه اقشار مختلف جامعه از کالاها و خدمات فرهنگی، ورزشی و هنری و ... ایجاد تعادل و کاهش نابرابری‌ها ... به عنوان یکی از مواد اصلی این قانون مطرح شده است (۸: ۱۱۹). و سپس در پیوست شماره ۲ لایحه این برنامه به عنوان یکی از رهنمودهای کلی هیئت وزیران به مورد زیر اشاره شده است: "زمینه‌های رشد کمی و کیفی آثار و خدمات فرهنگی و استفاده عادلانه از آنها ایجاد می‌شود" (۵: ج ۱، ص ۲۹۶). و در قسمت مربوط به امور بخشی، آنجا که مشکلات و تنگناهای بخش را برمی‌شمارد مجدداً به این نکات اشاره شده است:

- "عدم استفاده مناسب و مطلوب از توانایی‌های انسانی و تأسیسات و تجهیزات موجود که خود به شدت ناهمگون و ناعادلانه توزیع شده‌اند. این امر به خصوص در مورد سالن‌های نمایش و کتابخانه‌ها جدی است؛"

- "توزیع ناعادلانه امکانات تولید و

امکانات مصرف خدمات فرهنگی و هنری در میان مناطق مختلف کشور و گروه‌های اجتماعی" (۵: ج ۲، ص ۳۹۷)؛ و - به‌عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی این برنامه آمده: "توسعه بهره‌مندی همگان از محصولات و خدمات فرهنگی و هنری و گسترش مراکز عرضه آن و تسهیل و تسریع در خدمات اطلاع‌رسانی" (۵: ج ۲، ص ۴۱۲).

۳. حمایت از سوادآموزی بزرگسالان

مسئله سواد و سوادآموزی و کاهش میزان بی‌سوادی از جمله مسائلی است که توجه بیشتر دولت‌ها را به خود معطوف می‌دارد. در بسیاری از کشورهای دنیا تلاش‌های گسترده‌ای برای افزایش جمعیت با سواد و برنامه‌ریزی برای سوادآموزی بزرگسالان اجرا می‌شود. یکی از نهادهایی که می‌تواند نقش عمده‌ای در اجرای هر چه موفق‌تر این برنامه‌ها ایفا کند، کتابخانه عمومی است. "از آنجا که سوادآموزی کلید دستیابی به تحصیلات، دانش، و نیز استفاده از کتابخانه‌ها و خدمات اطلاعاتی است، کتابخانه عمومی باید به نحو فعالی از برنامه‌های سوادآموزی حمایت کند. نوسوادان نیازمند دسترسی آسان به مواد خواندنی مناسب هستند تا مهارت‌های خود را حفظ کرده و توسعه بخشند" (۱۷: ۲).

بنابراین، اگرچه کتابخانه عمومی مستقیماً وظیفه سوادآموزی به بزرگسالان را برعهده ندارد، اما در حقیقت به افراد نوسواد کمک می‌کند تا نه تنها آنچه را آموخته‌اند، فراموش نکنند، بلکه آن را تقویت کرده و گسترش

دهند. و البته بیانیه یونسکو درباره کتابخانه‌های عمومی از این نیز گامی فراتر نهاده و یکی از رسالت‌های کتابخانه عمومی را چنین تعریف می‌کند: "حمایت و شرکت در فعالیت‌های مربوط به سوادآموزی و برنامه‌هایی برای کلیه گروه‌های سنی و در صورت نیاز اقدام به اجرای چنین فعالیت‌هایی" (۱۶: ۲). یکی از اهداف کلی ذکر شده در بخش فرهنگی قانون برنامه اول به مسئله بی‌سوادی اختصاص دارد: "اولویت دادن به ریشه‌کنی بی‌سوادی در اقشار مولد" (۶: ۳۳).

در بخش آموزش و پرورش عمومی به شکل مشخص‌تر و مفصل‌تری به امر سوادآموزی پرداخته شده است. در قسمت اهداف کیفی پیوست لایحه برنامه اول به‌عنوان یکی از چهار هدف کیفی اصلی ذکر شده در بخش آموزش و پرورش عمومی "ریشه‌کنی بی‌سوادی در گروه سنی ۶-۳۵ ساله" قید شده است. در قسمت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی این بخش نیز آمده است: "اولویت دادن به ابداع و اجرای شیوه‌های مناسب سوادآموزی مؤثر و کاربردی برای کشاورزان، صاحبان حرف روستایی و دستی، کارگران واحدهای تولیدی و عمرانی، مادران جوان با همکاری و هماهنگی ارگان‌های ذی‌ربط" (۲: ۱۳-۱۸).

در قسمت برنامه‌های اجرایی نیز مشخصاً بندی به "برنامه آموزش بزرگسالان" اختصاص یافته است و از جمله سیاست‌های اجرایی مذکور در این بند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

"تأکید بر تعمیق سوادآموزی و

به‌کارگیری‌های تقویتی برای جلوگیری از بازگشت نوسودان به بیسوادی و اولویت دادن به ابداع و اجرای شیوه‌های مناسب سوادآموزی مؤثر و کاربردی برای شاغلان با همکاری و هماهنگی با ارگان‌های ذی‌ربط؛^(۲: ۱۸-۱۹) "برای ارائه آموزش‌های بزرگسالان و سوادآموزی، فضای آموزشی خاصی ایجاد نمی‌شود و از فضاهای آموزشی سایر برنامه‌ها و یا هر گونه فضای عمومی مناسب استفاده می‌گردد"^(۲: ۱۸-۱۹).

با نگاهی به آنچه در ابتدای این گفتار آمد می‌توان یکی از "ارگان‌های ذی‌ربط" را کتابخانه‌های عمومی دانست که به‌عنوان یک "فضای عمومی مناسب" برای آموزش بزرگسالان از آن استفاده می‌شود.

در قانون برنامه دوم فقط در قسمتی از تبصره ۶۲ به شرکت بیسوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی اشاره شده است، اما در پیوست لایحه برنامه دوم در بخش آموزش در قسمت‌های مختلف به امر سوادآموزی بزرگسالان اشاره شده است، از جمله در هدف‌های کیفی: "توسعه امر سوادآموزی با تأکید بر بیسوادان زیر ۴۰ سال"^(۳: ۱-۷)؛ و نیز در خط‌مشی‌های اساسی و سیاست‌ها: توجه به امر آموزش دختران و سوادآموزی زنان و مادران جوان"^(۳: ۲-۷)، و "توسعه امر سوادآموزی از طریق به‌کارگیری روش‌های تشویقی و نیز اعمال محدودیت‌های خاص برای بزرگسالان بیسواد زیر ۴۰ سال به دوره‌های سوادآموزی"^(۳: ۴-۷).

با کمی دقت متوجه می‌شویم که تأکید بر

امر سوادآموزی رفته‌رفته از برنامه اول تا برنامه سوم کم‌رنگ‌تر می‌شود. در برنامه سوم در قانون برنامه، هیچ اشاره‌ای به امر سوادآموزی بزرگسالان نشده است، اما در بخش آموزش و پرورش عمومی در قسمت‌های گوناگون به این مسئله اشاره شده است. کاهش سطح بیسوادی جامعه در ۲۰ سال گذشته از جمله نقاط قوت بخش آموزش و پرورش عمومی شمرده شده است و سپس در بندی مجزا به نام "آموزش بزرگسالان و سوادآموزی"، "فقدان یک نظام جامع برای آموزش بزرگسالان با تأکید بر آموزش زنان و خانواده‌ها" به‌عنوان یکی از مشکلات این بخش قید شده است^(۵: ج ۲، ص ۳۲۶). در نهایت به‌عنوان یکی از راهکارهای اجرایی "بر توسعه برنامه‌های تکمیلی سوادآموزی و آموزش مداوم در قالب پیوند اهداف سوادآموزی با اهداف سایر بخش‌ها از طریق مشارکت بین بخشی" تأکید شده است^(۵: ج ۲، ص ۳۴۰).

طبق آماري که در "گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۰" ارائه شده است، در سال ۱۹۹۸/۱۳۷۷، در حدود ۷۴/۶ درصد جمعیت بزرگسال ایران باسواد بوده‌اند و این آمار در قشر نوجوان و جوان یعنی گروه سنی ۱۵-۲۴ سال به ۹۳/۲ درصد می‌رسد^(۱۵). ولی این درصد با برآورد کمی برنامه دوم توسعه (مبني بر افزایش درصد باسوادان در گروه سنی ۱۰ ساله به بالا از ۷۵/۴ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۸۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۷؛ و افزایش درصد با سوادان در گروه سنی ۱۰ تا ۴۰ ساله از ۸۷ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۹۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۷)^(۳: ۷) همخوانی ندارد و در

مقایسه با ۵۰ کشوری که در کنار ایران آمار آنها ذکر شده است نیز چندان امیدوارکننده نیست، زیرا ایران پس از عمان با ۶۸/۸ درصد جمعیت باسواد بزرگسال، کمترین درصد باسواد در این قشر را داراست. بنابراین، بهتر بود که در برنامه سوم نیز همان تفصیل و اهمیتی که به ویژه در برنامه اول توسعه به امر سوادآموزی پرداخته شده بود، حفظ می شد.

۴. حمایت از آموزش‌های رسمی و غیررسمی در جامعه

فقط نوسوادان و کم سوادان نیستند که نیاز به حمایت‌های آموزشی از سوی کتابخانه‌های عمومی دارند، در حقیقت هر کسی در جامعه با هر سطح از سواد و معلومات نیازمند نوعی آموزش مداوم و بعضاً خودآموزی است. بیانیه یونسکو نیز در رسالت‌های کتابخانه عمومی به این نکته صراحتاً اشاره کرده است: "حمایت از آموزش‌های فردی و خودآموزی علاوه بر حمایت از آموزش‌های رسمی در کلیه سطوح" (۱۶).

یکی از عمده‌ترین نقش‌هایی که برای کتابخانه‌های عمومی در نظر می‌گیرند حمایت از برنامه‌های آموزش رسمی و حرکت این کتابخانه‌ها به موازات کتابخانه‌های آموزشگاهی، دانشگاهی، و تخصصی است.

در رهنمودهای ایفلا نیز به این وجه از اهداف کتابخانه عمومی این‌گونه پرداخته شده است: "نیاز به مؤسسه‌ای که برای همگان قابل دسترسی باشد، تا دستیابی به دانش را در اشکال چاپی و غیرچاپی در جهت حمایت از آموزش‌های رسمی فراهم آورد، دلیل

وجودی بنیاد و بقای بیشتر کتابخانه‌های عمومی بوده است و به شکل یک هدف اساسی برای کتابخانه‌ها باقی می‌ماند. مردم در سراسر زندگی به آموزش نیاز دارند، خواه زیر پوشش مؤسسه‌های رسمی مانند مدرسه، کالج، و دانشگاه و یا در شکل غیررسمی آن و در زمینه‌هایی مرتبط با شغل و زندگی روزانه. یادگیری، برای بسیاری از مردم با اتمام تحصیلات رسمی پایان نمی‌یابد و به شکل یک فعالیت مادام‌العمر ادامه می‌یابد. در جامعه‌ای که به نحو فزاینده‌ای پیچیده است، مردم نیازمند کسب مهارت‌های جدیدی در صحنه‌های مختلف زندگی هستند، و کتابخانه عمومی نقش مهمی در اجرای این فرایند دارد. "کتابخانه عمومی باید مواردی را به شکل رسانه‌های مناسب برای حمایت از فرایندهای یادگیری غیررسمی فراهم کند. این امر همچنین باید به استفاده مؤثر کاربران از این منابع و یادگیری رسمی کمک کند، به علاوه باید تسهیلاتی را فراهم کند که مردم به واسطه آنها قادر به مطالعه باشند" (۱۷: ۲).

متأسفانه در اصل قانون برنامه اول هیچ اشاره‌ای به آموزش‌های غیررسمی یا ایجاد امکاناتی برای دستیابی به اطلاعات مشخص و مطالعات شخصی نشده است و فقط در قسمت سیاست‌های اجرایی بخش آموزش و پرورش عمومی پیوست قانون برنامه اول به کتابخانه عمومی به عنوان یک نهاد پشتیبان برای آموزش‌های رسمی اشاره شده است: "تقویت و گسترش کتابخانه‌های مدارس و همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نیز کتابخانه‌های عمومی برای زیر

پوشش قرار دادن هر چه بیشتر مدارس بدون کتابخانه" (۲: ۱۸-۲۷).

در قانون برنامه دوم نیز ماده یا تبصره‌ای دیده نمی‌شود که حاکی از حمایت از آموزش‌های غیررسمی و یا کمک به آموزش‌های رسمی باشد و فقط در قسمت خط‌مشی‌ها و سیاست‌های بخش آموزشی پیوست لایحه برنامه دوم بندی با این مضمون آمده است: "توجه به تحقیقات کاربردی، به‌ویژه تحقیقات مربوط به سیاست‌های آموزش رسمی و غیررسمی و استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و گسترش تحقیقات در استان‌ها" (۳: ۲).

اما ذکر این نکته شاید خالی از لطف نباشد که در بند دیگری از همین خط‌مشی‌های اساسی و سیاست‌های این بخش آمده است: "استفاده از تلویزیون برای کارآمد کردن نظام آموزشی و استفاده از آن در موارد مختلف از جمله آموزش‌های غیرحضوری، آموزش‌های غیررسمی، تربیت معلم، دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان و ارتباط فرهنگی با دانش‌آموزان و خانواده آنها" (۳: ۳). بی‌شک نقش کتابخانه‌های عمومی با توجه به همه مواردی که در این رابطه ذکر شد، نه تنها کمتر از صداوسیما نیست، بلکه می‌تواند بسیار عمیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر از دیگر رسانه‌ها نیز باشد. در ادامه همین روال در قانون و مستندات برنامه سوم توسعه نیز نمی‌توان مطلب چندان مرتبطی با مقوله بالا پیدا کرد، فقط در قسمت سیاست‌های راهبردی بخش آموزش و پرورش عمومی

شاید بند زیر اندکی با مطلب مورد بحث سنخیت داشته باشد:

"ایجاد زمینه‌های لازم برای برخورداری از فرصت‌های برابر آموزش و پرورش و تعمیم آموزش عمومی به همه افراد لازم‌التعلیم" (۵: ۳۳۲).

۵. ایجاد عادت مطالعه و گسترش فرهنگ مکتوب در جامعه

یکی از مقوله‌های مرتبط با فرهنگ هر جامعه آثار مکتوب به‌جا مانده از ادبیات و به عبارت دیگر "فرهنگ مکتوب" آن کشور است. در واقع ادبیات هر کشور یکی از ارزشمندترین میراث‌های فرهنگی آن کشور است که ترویج و اشاعه آن می‌تواند نقش مؤثری در ترویج فرهنگ کتابخوانی آن جامعه داشته باشد. به علاوه، این میراث ارزشمند با افزودن آثار برجسته ادبی دیگر ملل و زبان‌ها غنی‌تر نیز می‌شود و می‌دانیم کتابخانه‌های عمومی محل حفظ و اشاعه فرهنگ مکتوب جهان هستند (۹: ۵۲). از جمله خدماتی که برای کتابخانه‌های عمومی در نظر گرفته می‌شود: "سازماندهی وقایع به‌گونه‌ای است که منجر به ارتقای علاقه به خواندن، ادبیات، و رسانه‌های فرهنگی شود" (۱۷: ۱۹).

در جای دیگری از همین سند قید شده است: "منابع موجود در کتابخانه باید انعکاس‌دهنده گونه‌های مختلف فرهنگ‌های ارائه شده در جامعه باشد و باید مواد خواندنی را به همان زبان‌هایی ارائه کند که در جوامع محلی به آنها تکلم می‌شود (۱۷: ۵). پس با در نظر داشتن این نکته که کتابخانه

عمومی یکی از مؤثرترین نهادها در گسترش کتابخوانی و فرهنگ مکتوب در جامعه است به سراغ برنامه‌های توسعه می‌رویم. در پیوست قانون برنامه اول آمده است: "توسعه، تقویت و اعتلای فرهنگ مکتوب و روابط فرهنگی در کشور به‌عنوان مهم‌ترین عوامل گسترش فرهنگ" از جمله اهداف کیفی است که در ابتدای بخش فرهنگ بدان اشاره شده است (۲: ۱۰-۲۲)؛ و سپس در قسمت برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی بخش فرهنگ "مطالعه و تحقیق در زمینه مسائل فرهنگ مکتوب و چاپ و نشر کشور و ارائه برنامه‌ها و شیوه‌های موردنیاز برای گسترش کتابخوانی" به مثابه اولین برنامه برای گسترش فرهنگ و هنر قید شده است (۲: ۱۴-۲۲). در پیوست لایحه برنامه دوم نیز در بخش فرهنگ، ایرانگردی، و نظایر آن تقریباً با همین عبارات یعنی ترویج و اعتلای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی و توسعه کمی و کیفی مطلوب و کتابخانه‌های عمومی و ایجاد زمینه دسترسی اقشار مختلف به فرهنگ مکتوب به‌ویژه میان کودکان و نوجوانان این مسئله به‌عنوان یکی از اهداف کیفی بخش مذکور ذکر شده است. و البته در قانون برنامه دوم نیز در قسمت هدف‌های کلان کیفی تقویت بنیه علمی و تفکر نقادانه و تشویق به مطالعه و کتابخوانی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های بحث هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر و فن و تربیت بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و

اقتصادی، آمده است.

در برنامه سوم تقریباً هیچ اشاره‌ای به ترویج فرهنگ مکتوب و گسترش کتاب و کتابخوانی نشده است و تنها بند مرتبط با این مقوله شاید عبارت زیر باشد:

"برگزاری مسابقات کتابخوانی به‌صورت منظم و با همکاری جدی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در سطح جامعه و بالخصوص در واحدهای آموزشی، آموزش عمومی، دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی"، که قطعاً یکی از "دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط" می‌توانست کتابخانه عمومی باشد که البته در این بند اشاره‌ای بدان نشده است.

۶. ایجاد عادت مطالعه در کودکان و نوجوانان

کودکان و نوجوانان از جمله اقشاری هستند که همواره در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها مورد توجه ویژه واقع می‌شوند، زیرا این گروه سنی دارای رفتارها، نیازها، و خصوصیات خاص خود هستند و برای مثال حتی ادبیات آنان نیز دارای تعریفی مشخص و مجزا از ادبیات بزرگسالان است. از حدود صدوپنجاه سال پیش تاکنون در همه کشورهای جهان نویسندگان و شاعران آثار خود را به کودکان و نوجوانان اختصاص داده‌اند. پس از جنگ جهانی دوم، ادبیات کودکان جهان، گسترده‌تر و غنی‌تر شد. در حال حاضر ادبیات کودکان و نوجوانان جهان در زمینه‌های شعر، داستان، نمایشنامه، و کتاب‌های تصویری و آثار ادبی غیرداستانی در همه کشورهای و قاره‌های جهان رشد کرده،

دگرگون شده، و به صورت بخشی از ادبیات و هنر درآمده است (۱۲: ۱۷۱-۱۷۲). با این تفاسیر یکی از مخاطبان خاص و بالقوه کتابخانه‌های عمومی کودکان و نوجوانان هستند. به واسطه فراهم‌آوری موارد وسیعی از مواد خواندنی و فعالیت‌ها، کتابخانه‌های عمومی فرصتی برای تجربه لذت خواندن و هیجان کشف دانش و آثار خلاق به کودکان می‌دهند. کودکان و والدین آنها باید به نحوی تعلیم ببینند که بتوانند به بهترین وجه از کتابخانه استفاده کنند و مهارت‌های خود را در استفاده از رسانه‌های الکترونیکی گسترش دهند.

کتابخانه‌های عمومی مسئولیت‌های ویژه‌ای در حمایت از فرایندهایی که به یادگیری خواندن کتاب و دیگر رسانه‌های متعلق به کودکان منتهی می‌شود، دارند. کتابخانه باید رویدادهای ویژه‌ای نظیر قصه‌گویی، و دیگر فعالیت‌های مرتبط با خدمات و منابع کتابخانه برای کودکان فراهم کند و کودکان باید از سنین پایین به استفاده از کتابخانه تشویق شوند و این تمایل در آنها ایجاد شود که در سال‌های آینده نیز کاربر کتابخانه باقی بمانند. در کشورهای چندزبانه، کتاب و موارد دیداری - شنیداری باید به زبان مادری کودکان در اختیارشان قرار گیرد.

جوانان بین کودکی و بزرگسالی به‌عنوان اعضای خاصی از جامعه، با فرهنگ خاص خودشان، رشد می‌کنند. کتابخانه‌های عمومی باید نیازهای آنها را درک کنند و خدمات مناسبی به آنها ارائه دهند. مواد خواندنی شامل دستیابی به منابع اطلاعات الکترونیکی،

باید به نحوی که منعکس‌کننده علایق و فرهنگ آنان باشد، برایشان فراهم شود. در برخی موارد شاید لازم باشد موادی برای آنان گردآوری شود که به شکل سنتی جزء منابع کتابخانه نیست، و فرهنگ جوانی را از طریق رسانه‌های متفاوتی جلوه‌گر می‌سازد، مانند رمان‌های عامه‌پسند، سری کتاب‌های تلویزیونی، موسیقی، نوار ویدئو، مجلات جوان‌پسند، و پوسترها. برای اطمینان از اینکه این موارد حتماً منعکس‌کننده علایق آنها باشد، بسیار مهم است که در انتخاب این موارد از خود جوانان کمک گرفته شود (۱۷: ۱۵-۱۶).

در بیانیه یونسکو درباره کتابخانه‌های عمومی نیز از جمله رسالت‌های قید شده برای این نوع کتابخانه‌ها ایجاد و تقویت عادات خواندن در کودکان از سنین آغازین زندگی و برانگیختن تجسم و خلاقیت در کودکان و نوجوانان را می‌توان برشمرد. در پیوست قانون برنامه اول در قسمت برنامه و سیاست‌های فرهنگی بخش فرهنگی، قسمتی با نام برنامه پرورش و رشد استعداد‌های فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان آمده که برخی موارد ذکر شده در آن عبارتند از:

- گسترش آموزش‌های آزاد فرهنگی و هنری ویژه کودکان و نوجوانان،
- توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها و مراکز پرورشی کودکان و نوجوانان و کتابخانه‌های سیار و پایگاه‌های روستایی و شهری،
- کمک به توسعه و ترویج ادبیات و هنر کودکان و نوجوانان و پرورش استعداد‌های درخشان،

- افزایش آفرینش‌های فرهنگی و هنری و تفریحی ویژه کودکان و نوجوانان، و
- کمک به توسعه، تکمیل و بهبود اداره کتابخانه‌های مساجد و مدارس با توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان (۲: ۱۸-۲۲).
در مورد آخر در کنار کتابخانه‌های مساجد و مدارس جای کتابخانه‌های عمومی بسیار خالی به نظر می‌رسد.

در پیوست لایحه برنامه دوم نیز یکی از هدف‌های کیفی برشمرده عبارت است از: "ترویج و اعتلای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی و توسعه کمی و کیفی کتاب‌های مطلوب و کتابخانه‌های عمومی و ایجاد زمینه دسترسی اقشار مختلف به فرهنگ مکتوب به ویژه میان کودکان و نوجوانان" (۳: ۱)؛ و "اولویت دادن به کودکان و نوجوانان در برنامه‌های فرهنگی و هنری" نیز به عنوان یکی از خط‌مشی‌ها و سیاست‌های این برنامه قید شده است (۳: ۲).

در قسمت اهداف کمی نیز زیرعنوان برنامه پرورش و رشد استعداد‌های فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان تعدادی برآوردهای کمی صورت گرفته است، از جمله:

- آموزش‌های آزاد فرهنگی و هنری ۱۱,۵۷۵ نفر از کودکان و نوجوانان طی سال‌های برنامه،

- تولید ۸۰۰ عنوان کتاب کودک و نوجوانان با شمارگان ۲۴,۰۰۰ نسخه طی سال‌های برنامه،

- افزایش تعداد کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان از ۲۷۵ باب در سال ۱۳۷۲ به ۳۳۶ باب در سال ۱۳۷۷ از

طریق تکمیل ۳۱ باب مرکز و مجتمع فرهنگی و هنری نیمه تمام و احداث ۳۰ باب کتابخانه جدید، و

- افزایش تعداد استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان از ۴۷۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۲ به ۹۰۰,۰۰۰ نفر در پایان سال ۱۳۷۷ (۳: ۷).
متأسفانه در برنامه سوم توسعه چه در اصل برنامه و چه در پیوست‌های آن اشاره‌ای به فعالیت‌های فرهنگی کودکان و نوجوانان نشده است و نام این قشر از جامعه فقط با مسائلی نظیر باورهای مذهبی و یا پدیده دین‌گریزی و بحران هویت قرین شده است.

۷. غنی‌سازی اوقات فراغت

هنگامی که صحبت از کودکان، نوجوانان، و جوانان به میان می‌آید یکی از اساسی‌ترین مسائلی که درباره این قشر به ذهن می‌رسد مسئله اوقات فراغت آنان است. در حقیقت یکی از نقش‌های اختصاصی کتابخانه عمومی این است که به دلیل تنوع در منابع و تعداد زیاد آنها می‌تواند مورد استفاده کسانی که سؤال خاصی هم ندارند و در واقع برای پر کردن وقت اضافی خود به آن مراجعه می‌کنند، قرار گیرد (۹: ۴۹). بنابراین کتابخانه عمومی محل گذراندن سالم و پربار اوقات فراغت است (۹: ۵۲).

در رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی نیز آمده است: "مردم به اطلاعاتی نیاز دارند که پشتوانه علایق آنان در زمان فراغتشان باشد و برآورده کردن چنین نیازی از طریق فراهم کردن منابع متعدد در اشکال

(فرمت‌های) گوناگون یکی دیگر از نقش‌های کلیدی کتابخانه عمومی محسوب می‌شود" (۱۷:۱۷).

در پیوست قانون برنامه اول یکی از پیش‌فرض‌ها و عوامل محیطی مؤثر بر بخش فرهنگ در سال‌های آینده "افزایش اوقات فراغت نسل جوان و نیروی شاغل در کشور" ذکر شده است (۲:۷-۲۲).

در تبصره ۶۰ قانون برنامه دوم زیر عبارت "به منظور پربار کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و بالندگی نسل جوان کشور" تعدادی وظیفه برای دولت ذکر شده است که البته در هیچ‌یک از این وظایف اشاره‌ای به نقش کتابخانه‌های عمومی و مسئله مطالعه و کتابخوانی این قشر صورت نگرفته است (۷:۸۹).

در سند برنامه سوم در فصل سیاست‌های فرهنگی آمده است: "از آنجا که به همراه پدیده‌های جوان بودن جمعیت و گسترش شهرنشینی، موضوع بالا رفتن میزان سواد و تحصیلات و اشتغال و نیز موضوع اوقات فراغت و تأمین وسایل و خدمات مناسب برای گذراندن اوقات فراغت شهروندان به خصوص شهروندان جوان و باسواد مطرح می‌شود، با تشدید فرایند تفکیک اجتماعی و پیدایش گروه‌های شغلی و تحصیلی جدید و حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع و رشد فناوری‌های ارتباطات جمعی جهانی، تنوع در تقاضاهای فرهنگی پدید می‌آید. اکثر این تقاضاهای متنوع فرهنگی در اوقات فراغت بروز یافته و اگر وسایل و خدمات کافی برای رفع این تقاضاها وجود نداشته

باشد، این اوقات به مناسب‌ترین زمان برای آلوده شدن جوانان به امراض اجتماعی تبدیل خواهد شد" (۵: ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۰).

یکی از مسائلی نیز که در چشم‌اندازهای آینده و متغیرهای اصلی بخش فرهنگ مطرح شده است عبارت است از اینکه: "اگرچه طی سال‌های اخیر روند رشد جمعیت کنترل شده است، لکن طبق پیش‌بینی، روند رشد حدود ۱/۶۵ درصدی جمعیت کشور تا سال ۱۳۸۵ ادامه خواهد داشت، به نحوی که جمعیت حدود ۶۰ میلیون نفری سال ۱۳۷۵ به حدود ۷۰ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ خواهد رسید... این تحول، افزایش تقاضای جامعه برای استفاده از انواع کالاها و خدمات فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر آن اهمیت پیدا کردن نحوه گذراندن اوقات فراغت در بین اقشار مختلف به ویژه جوامع شهری، به رشد تقاضاهای فرهنگی دامن خواهد زد..." (۵: ج ۲، ص ۴۰۰).

یکی از راهکارهای اجرایی پیشنهاد شده در بحث فرهنگ و هنر و تبلیغات اسلامی نیز "ایجاد اردوگاه‌ها و برگزاری طرح‌های اوقات فراغت ویژه جوانان و نوجوانان است" (۵: ج ۲، ص ۴۳۲). که همان‌گونه که مشاهده می‌شود در اینجا نیز در کنار اردوگاه‌ها جای کتابخانه‌های عمومی خالی به نظر می‌رسد.

۸. کمک به رواج فناوری‌های جدید اطلاعاتی

همان‌گونه که امروزه و در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم شاهد هستیم، مفهوم کتاب و کتابخانه به نحو اساسی دگرگون شده

است. هر چند که اسطوره جامعه بدون کاغذ به شکلی که مدنظر و مورد انتظار کتابداران و دیگر اصحاب کتاب بود، تحقق نیافت و کتاب در مفهوم گوتنبرگی آن هنوز هم جایگاه درخوری را در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد، اما رواج فناوری‌های جدید اطلاع‌رسانی و پدیده‌هایی همچون کتابخانه‌های رقومی و شبکه‌های اطلاعاتی را نمی‌توان نادیده گرفت. البته رواج هیچ‌یک از این پدیده‌ها نمی‌تواند حق خواندن و دسترسی اطلاعات را از اقصای مختلف اجتماع سلب کند.

امروزه یکی از شایع‌ترین مباحث در دنیای کتابخانه‌ها و اطلاعات، مسئله تجهیز کتابخانه‌های عمومی به ابزارها و فناوری‌های جدید اطلاعاتی است به نحوی که همگان امکان استفاده از این فناوری را داشته باشند. به‌منظور ایجاد مؤثرترین راه‌های استفاده از منابع کتابخانه و اطلاعات قابل دسترس و بهره‌گیری کامل از امتیازات و فرصت‌های ارائه شده به‌واسطه رشد منابع اطلاعاتی الکترونیک، بسیاری از کشورها در حال گسترش سیاست‌های ملی اطلاعات هستند. کتابخانه‌های عمومی باید در اجرای چنین سیاست‌هایی به‌عنوان عاملی مهم عمل کنند و کتابداران کتابخانه‌های عمومی نیز باید اطمینان حاصل کنند که به‌طور کامل در این توسعه درگیر شده‌اند" (۱۷: ۸).

رشد سریع حجم اطلاعات و تغییرات مداوم فناوری که به‌طور اساسی راه‌های دستیابی به اطلاعات را تحت‌تأثیر خود قرار داده است، تأثیر قابل توجهی بر کتابخانه‌های عمومی و خدمات آنها نهاده است. همان‌گونه

که می‌دانیم اطلاعات نقش بسزایی در ایجاد توسعه فردی و اجتماعی دارد و فناوری‌های جدید اطلاعاتی، سرعت قابل توجهی به افراد برای دستیابی و استفاده از اطلاعات می‌دهد. اما برخلاف این رشد سریع هنوز هم عده کثیری در سرتاسر جهان امکان استفاده از چنین نوآوری‌هایی را ندارند و شکاف میان محرومان و بهره‌مندان اطلاعاتی روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. کتابخانه عمومی در این میان نقش پلی را دارد که بر روی این شکاف زده‌اند، بدین معنی که در کنار ارائه اطلاعات به شکل سنتی، فناوری جدید اطلاعات را برای عموم دسترس‌پذیرتر می‌سازد. کتابخانه‌های عمومی این فرصت را دارند که دروازه ورود به دنیای اطلاعات الکترونیک باشند. فراهم‌آوری اطلاعات همواره یکی از نقش‌های اساسی کتابخانه‌های عمومی بوده است. هر چند راه‌هایی که از طریق آنها اطلاعات می‌توانند جمع‌آوری، بازیابی، و ارائه شوند، در سال‌های اخیر به شکل اساسی دستخوش تحول شده است، ولی کتابخانه عمومی هنوز هم نقش‌هایی چند را در فراهم‌آوری این اطلاعات عهده‌دار است.

کارکنان کتابخانه باید به‌عنوان کاوشگران اطلاعات به کاربران همه گروه‌های سنی کمک کنند که به مؤثرترین وجه از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بهره‌گیری کنند. در واقع کارکنان کتابخانه باید خود به راحتی به اینترنت و دیگر شبکه‌های جهانی دسترسی داشته باشند تا بتوانند خدمات مرجع و مشاوره‌ای بهتر به کاربران ارائه

دهند و کاربران باید برای استفاده از اینترنت تحت آموزش‌های منظم قرار گیرند. مسئله آموزش چگونگی استفاده از این فناوری‌ها توسط خود کاربران را نیز نباید فراموش کرد. هر قدر که اهمیت این فناوری‌ها بیشتر شود، نقش کتابخانه‌های عمومی نیز در رواج و گسترش این امکانات و دسترس‌پذیری آنان برای همگان حیاتی‌تر می‌شود. بنابراین کتابخانه عمومی باید امکان دستیابی به شبکه جهانی اینترنت و وب را برای همه اقشار جامعه بدون درنظر داشتن هرگونه منفعت اقتصادی فراهم آورد و در هر کتابخانه‌ای باید دست‌کم یک ایستگاه رایانه‌ای برای دستیابی به اینترنت همراه با چاپگر موجود باشد که البته خاص کاربران باشد و کارکنان کتابخانه در آن سهیم نباشند. می‌توان امکانات را از این نیز بیشتر افزایش داد به نحوی که کاربران از خانه، محل کار یا مدرسه بتوانند به منابع اطلاعاتی الکترونیک دستیابی داشته باشند و البته اگر فهرست منابع کتابخانه بر روی اینترنت قابل‌بازیابی باشد امکان استفاده از منابع آن نیز بیشتر خواهد بود. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که خدمات کتابخانه حتی با عالی‌ترین کیفیت برای کسانی که قادر به استفاده از آن نباشند کوچکترین ارزشی ندارد. بدین معنی که خدمات کتابخانه باید به لحاظ ساختاری به‌گونه‌ای طراحی شوند که بیشترین کاربران بالقوه را تحت پوشش قرار دهند (۱۷).

نکات برگرفته از رهنمودهای ایفلا اگرچه ممکن است با شرایط و ساختار کنونی کتابخانه‌های عمومی ایران اندکی فاصله

داشته باشد، اما نباید فراموش کرد که سرعت رشد و تحولات فناوری اطلاعات به حدی بالاست که دیر یا زود ایران را نیز دربر خواهد گرفت، همان‌طور که اکنون کتابخانه‌های تخصصی را اندک‌اندک به تسخیر خود در آورده است، ناخودآگاه به کتابخانه‌های عمومی نیز رسوخ خواهد کرد. در درازمدت گسترش فناوری‌های جدید اطلاعاتی نتایج بزرگی برای کتابخانه‌های عمومی در پی خواهد داشت. دیگر در بسیاری موارد مشتریان کتابخانه مجبور نیستند شخصاً به کتابخانه بروند. این مسئله بدون شک منجر به تغییراتی در این نهاد خواهد شد. در حقیقت آنچه که امروزه برای هر کتابخانه‌ای موجبات فخر و مباهات را فراهم می‌آورد، مجموعه فیزیکی و داشته‌های آن کتابخانه نیست، بلکه مجموعه امکاناتی است که آن کتابخانه برای کاربران خود فراهم می‌سازد تا به اطلاعات در اقصی نقاط جهان، منطبق با نیازهای خود، دسترسی داشته باشند. به عبارت دیگر در پرتو پیشرفت‌های فناورانه‌ای که امروزه رخ داده، سیاست‌های کتابخانه نه تنها باید ناظر بر مجموعه خاص کتابخانه باشد، بلکه باید راهکارهایی نیز جهت دستیابی به اطلاعات در سراسر دنیا ارائه دهد (۱۷: ۲۸).

هم اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا داشتن امکانات فناورانه در کتابخانه‌های عمومی از جمله نکاتی است که در قوانین و مقررات مدون آن کشورها لحاظ می‌شود.

در سال‌های اخیر اهمیت فناوری اطلاعات برای برنامه‌ریزان جمهوری اسلامی ایران نیز ناشناخته نمانده است. با مروری بر بخش‌های

گوناگون برنامه‌های توسعه، از ابتدا تاکنون، می‌توان دریافت که اهمیت رویارویی با مسئله رواج فناوری و پیامدهای آن به تدریج از برنامه اول به سوم پررنگ‌تر شده است. در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) چه در قانون و چه پیوست‌ها هیچ اشاره‌ای به این مقوله نشده است. اما در قانون برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) در بخشی با نام "نظام‌دهی و به‌کارگیری تحقیقات و انتقال تکنولوژی به‌عنوان ابزاری برای حل مشکلات و توسعه کشور..." به‌طور کلی به مقوله فناوری پرداخته شده و در یکی از بندهای آن نیز آمده است: "ارزیابی وضع موجود و طراحی الگو و تدوین استراتژی توسعه علوم و تکنولوژی متناسب با اهداف برنامه و شرایط عمومی جامعه" (۷: ۳۱).

در قسمت خط‌مشی‌های اساسی و سیاست‌های پیوست لایحه این برنامه (برنامه دوم) در بخش فرهنگ، ایرانگردی، و نظایر آن نیز آمده است: سرمایه‌گذاری و گسترش بهره‌برداری از ابزارها و تکنولوژی جدید در زمینه تبادل اطلاعات و خبر از طریق تجهیز خبرگزاری به وسایل جدید و موردنیاز، و کتابخوانی و اداره کتابخانه‌ها (۳-۳-۸).

آخرین بخش پیوست لایحه برنامه دوم نیز به مبحثی با نام انفورماتیک اختصاص یافته است که طبق روال دیگر قسمت‌ها تعدادی هدف‌های کیفی، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها، و اقدامات اجرایی برای آن تعریف شده است. تعدادی از هدف‌های کیفی این مقوله عبارتند از:

- گسترش کاربرد فناوری انتقال داده‌ها و

ارتباطات انفورماتیکی،
- ترویج و توسعه خدمات اطلاع‌رسانی،
و
- گسترش و اعمال استانداردهای انفورماتیکی.

و در قسمت خط‌مشی‌های اساسی و سیاست‌ها نیز آمده است:

- توسعه بهره‌برداری از پایانه‌های راه دور به‌ویژه با استفاده از شبکه عمومی تلفن،
- حداکثر بهره‌برداری از امکانات مخابراتی موجود در جهت گسترش شبکه انتقال داده‌ها و استقرار شبکه پست الکترونیکی ملی و ارتباط بین‌المللی آن،
- ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی بین دستگاهی، و

- جهت‌دهی اعتبارات بخش انفورماتیک به سمت بهینه‌سازی اطلاعات مدیریت و نظام ذخیره و بازیابی گردش اطلاعات و ایجاد سیستم‌های کاربردی (۳: ۱۱-۱۵).

به هنگام تدوین برنامه دوم همه جوانب مربوط به این مقوله شامل کمک به رواج و استقرار این فناوری در کشور می‌شد. ماده ۱۰۳ در فصل توسعه علوم و فناوری قانون برنامه سوم می‌گوید:

"دولت موظف است امکانات لازم برای دستیابی آسان به اطلاعات داخلی و خارجی، زمینه‌سازی برای اتصال کشور به شبکه‌های جهانی، و بهبود خدمات و ترویج استفاده از فناوری‌های جدید را از طرق زیر فراهم نماید:

- ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و شاهراه‌های اطلاعاتی لازم، ایجاد پهنای

باند کافی و گسترده از طریق وزارت پست و تلگراف و تلفن، و ایجاد تسهیلات لازم برای استفاده دانشجویان و اعضای هیئت علمی؛

- تفکیک وظایف مجموعه‌های تأمین‌کننده اطلاعات، خدمات، و ارتباطات (۸: ۷۰).

همان‌طور که می‌بینیم در این ماده تسهیلات اطلاعاتی و ارتباطی فقط مختص دانشجویان و اعضای هیئت علمی فرض شده و از دسترس‌پذیری این تسهیلات برای عموم مردم سخنی به میان نیامده است.

این مقوله در فصل توسعه علوم و فناوری جلد اول سند برنامه سوم که به حوزه‌های فرابخشی اختصاص دارد به این صورت دنبال شده است: "موارد زیر به‌عنوان بخشی از خطوط اصلی ساختاری، نهادی، و سیاستی حوزه فناوری ذکر شده است:

- به‌کارگیری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در امر انتقال فناوری، و

- فراهم نمودن تسهیلات لازم به‌منظور ارائه نتایج تحقیقات از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی" (۵: ج ۱، ص ۲۶۳).

و به‌عنوان برخی راهکارهای پیشنهاد شده برای اصلاح چارچوب‌های نهادی بخش نیز آمده است:

- اصلاح نهادهای اطلاع‌رسانی در جهت کارایی هر چه بیشتر نظام اطلاع‌رسانی؛ و

- اصلاح نهادهای فرهنگی - ارتباطی در جهت ارتقای آگاهی‌های عمومی از نتایج مثبت پژوهشی، تقویت توجه به علم، پژوهش و فناوری؛ اشاعه فرهنگ کار گروهی به‌ویژه در زمینه پژوهش و اشاعه فرهنگ و روح

تحقیق در باور کلیه افراد جامعه" (۵: ج ۱، ص ۲۶۵). سپس در بخش مجزایی که به نام "فناوری و اطلاعات" ارائه شده است به‌عنوان یکی از خطوط اصلی ساختاری، نهادی و سیاستی در بخش اطلاعات، "ایجاد امکاناتی برای انتقال صحیح اطلاعات (transfer) در سطوح مختلف کشور" پیشنهاد شده است (۵: ج ۱، ص ۲۷۸).

در قسمت رهنمودهای کلی مصوب هیئت وزیران به‌وجوه منفی رواج فناوری‌های جدید پرداخته شده است: "نظام اطلاع‌رسانی برای استفاده از فناوری‌های جدید و چاره‌اندیشی برای مصون ماندن از آثار منفی آن ساماندهی می‌شود (۵: ج ۱، ص ۲۷۹). فقط در رهنمودهای کلی مصوب ستاد برنامه است که به وجه همگانی کردن فناوری‌های جدید اطلاعاتی توجه شده است: "استفاده همگانی از فناوری اطلاعات به‌منظور حفظ منافع ملی و عرضه موارث فرهنگی ملی و اسلامی از طریق افزایش تسهیلات، بهبود خدمات، فراهم کردن امکانات آموزش عمومی استانداردها، مقررات توسعه شبکه‌های اطلاعات و فرهنگ تبادل اطلاعات تسهیل می‌گردد. به‌منظور رشد استعدادها و بروز نوآوری و خلاقیت در همه بخش‌ها و زمینه‌ها از طریق ترویج فرهنگ ابتکار، متحول کردن روش‌ها و برنامه‌های آموزشی از سطح آموزش عمومی تا عالی‌ترین سطوح، امکانات موردنیاز فراهم می‌گردد" (۵: ج ۱، ص ۲۸۱). بعضی از راهکارهای اجرایی پیشنهاد شده در این مورد به‌قرار زیر است:

"با هدف ارتقای فناوری اطلاعات،

خودکارسازی عملیات اصلی دستگاه‌ها، ایجاد پایگاه اطلاعات پایه، ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فراهم آوردن دستیابی آسان و سریع مردم به اطلاعات مجاز دستگاه‌ها، در ساختار تشکیلاتی دستگاه‌های اجرایی تجدیدنظر به عمل خواهد آمد."

آشنایی با رشد جهانی در عصر اطلاعات، انتقال دانش و فناوری‌های جدید به کشور، ایجاد فرهنگ تبادل و بهره‌گیری از اطلاعات و حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی از طرق زیر محقق می‌شود:

"ارائه آموزش‌های عمومی در زمینه بهره‌گیری فناوری اطلاعات و ترویج فرهنگ استفاده از این فناوری در سطح جامعه" (۵: ج ۱، ص ۲۸۴ و ۲۸۵).

در قسمت چالش‌های آینده بخش فرهنگ از اثرات مخرب ناشی از رواج فناوری‌های جدید به این صورت ابراز نگرانی شده است:

"افزایش تحمیل‌های فرهنگ در جامعه با استفاده از رسانه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و از این قبیل، به منظور جایگزین کردن اخلاقیات و الگوهای خاص مغایر دین و سنن اجتماعی جامعه ایرانی در ذهن مردم، به‌ویژه جوانان مانند دین‌ستیزی و اخلاق مصرفی که موجب پرداخت تاوان‌های اجتماعی بزرگی چون عدم تعادل، افزایش بزهکاری و جرم و جنایت و مافیا، مواد مخدر و امثال آن می‌شود" (۵: ج ۲، ص ۴۰۴).

و فقط در یک مورد به تأثیر این فناوری در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی پرداخته شده است:

"تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و پیدایش انواع مختلف شبکه‌های اطلاعاتی و ظهور وسایل ارتباطی جدید، همچون ویدئوتکس [ویدئوتکست] تله‌ماتیک و کتاب الکترونیک کارایی ابزارهای فرهنگی موجود را در معرض تهدید جدی قرار داده است. کتابخانه‌های ساده و فاقد دستگاه‌های سمعی و بصری در دنیای جدید نمی‌توانند نقش فرهنگی ایفا کنند. نادیده گرفتن تحولات در تکنولوژی ارتباطات و عدم بهره‌گیری آنها در انتقال پیام‌ها و محتوای فرهنگی و هنری مطلوب، ما را در عرصه فرهنگ در حالت انفعالی قرار خواهد داد و شرایط را برای نفوذ پیام‌ها و محتواهای فرهنگی خارجی آماده می‌سازد" (۵: ج ۲، ص ۴۰۷).

به‌عنوان سیاست‌های راهبردی مرتبط با قسمت رسانه و ارتباطات جمعی نیز می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

"بسترسازی برای سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری‌های جدید و ارتقای سطح بهره‌گیری از سیستم‌های پیشرفته رسانه‌ای در امر ساخت، انتقال، نصب، بهره‌برداری، جمع‌آوری، پردازش و انتشار اخبار، و دیگر فعالیت‌های مربوط به وسایل ارتباط جمعی به‌منظور افزایش توانایی و تجهیز بخش" (۵: ج ۲، ص ۴۱۴ - ۴۱۵).

با همه این تفصیلات در هیچ یک از این بندها به جایگاه و نقشی که کتابخانه‌های عمومی می‌توانند در کمک به استقرار و دستیابی به فناوری‌های جدید اطلاعاتی داشته باشند، اشاره‌ای نشده است، حال آنکه بی‌شک می‌توان ردپای بسیاری از اهداف و راهبردها

را در کتابخانه‌های عمومی جست‌وجو کرد. به بیان دیگر:

اکنون فناوری در هر جایی حضور دارد. واضح است که شیوه ارائه خدمات کتابخانه باید به همراه ابزارهای جدید متحول شود، به طوری که تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان اطلاعات هر دو بتوانند از آن بهره‌مند شوند. فناوری برتر، همیشه به معنی حلال مشکلات اطلاعاتی جست‌وجوگران نیست. یادگیری مؤثر و کارآمد در نحوه استفاده از آنچه موجود است، خط‌مشی و سیاست خوبی به شمار می‌آید. کتابخانه عمومی فردا، فقط امکانی به منزله ارائه خدمات نیست. برای فراهم آوردن موفقیت‌آمیز اطلاعات مناسب، فناوری درست، و واکنش به نیازها و توانایی‌های استفاده‌کنندگان، خدمات کتابخانه عمومی باید در مجموعه خدمات یکپارچه نظام اطلاع‌رسانی اضافه شود. برنامه‌ریزی برای استفاده از فناوری برای بهبود ارائه خدمات، باید روی دو نکته مهم بیشتر متمرکز شود: نخست آنکه، فناوری باید برای آنچه در حال حاضر به استفاده‌کنندگان کتابخانه عمومی عرضه می‌شود، ارزش بیشتری در نظر گیرد تا کسانی که در حال حاضر به آنها خدمت ارائه نمی‌شود، به جمع استفاده‌کنندگان بپیوندند؛ و دوم آنکه، فناوری باید در وقت استفاده‌کنندگان و همچنین کارکنان کتابخانه صرفه‌جویی کند، به این اعتبار که وقت هر شخصی پر ارزش‌ترین منبع اوست و تنها منبعی است که هیچ‌کدام از ما نمی‌توانیم دوباره آن را به دست آوریم (۱: ۱۲).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که شرح داده شد، بسیاری از اهداف، راهبردها، و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با کتابخانه‌های عمومی در ارتباط بوده و از طریق این نهاد قابل تحقق هستند، ولی متأسفانه دست‌اندرکاران این برنامه به این نکته واقف نبوده یا آن را نادیده انگاشته‌اند. جایگاه کتابخانه‌های عمومی در برنامه‌های توسعه‌ای که تاکنون تدوین شده‌اند، تلویحی است. بدین معنا که در تدوین و نگارش این برنامه‌ها به نقش حیاتی کتابخانه‌های عمومی آن‌گونه که باید توجه نشده و مستقیماً به آنها اشاره‌ای نشده است و به هنگام جست‌وجو در متون برنامه‌ها برای یافتن ردپایی از این نوع کتابخانه‌ها باید به تأویل و تفسیر متوسل شد، حال آنکه در بسیاری از این متون جای خالی کتابخانه‌های عمومی کاملاً مشهود است.

برنامه چهارم توسعه از ابتدای سال ۱۳۸۴ آغاز شده است از آنجا که فقط لایحه این برنامه تاکنون منتشر شده و مستندات و پیوست‌های این برنامه هنوز منتشر نشده است، نمی‌توان به شکل دقیق و کلی‌نگری موارد مورد جست‌وجو در این پژوهش را در آن ردیابی کرد. اما امید می‌رود که در قانون، مستندات و پیوست‌های این برنامه به نحو مؤثری به جایگاه کتابخانه‌های عمومی پرداخته شده باشد.

منابع

۱. ال واترز، ریچارد. «چشم‌انداز جهانی فناوری و پیامدهای آن برای کتابخانه‌های عمومی». ترجمه

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۸۳. مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی. تهران: سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۹.

۹. «کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی». پیام کتابخانه، دوره دوم، ۲ و ۳ (تابستان و پائیز): ۶-۳۵.

۱۰. لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳-۱۳۷۷: پیشنهادی: هدفها، خطمشی‌های اساسی، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی: کلان و بخشی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۲.

۱۱. میرحسینی، زهره؛ باب‌الحوائجی، فهیمه. «تصویری اجمالی از کتابخانه‌های عمومی در ایران». پیام کتابخانه، دوره ششم، ۱ (بهار ۱۳۷۵): ۳۴-۴۶.

۱۲. میرهادی، توران. فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. ج ۲، ذیل "ادبیات کودکان و نوجوانان".

۱۳. نورمحمدی، خسرو. سیر تحول برنامه‌ریزی و سازمان برنامه و بودجه. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.

۱۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. گزارش اهداف کیفی، سیاست‌های فرهنگی و اهداف کمی فرهنگ و هنر و ارشاد اسلامی در برنامه پنجساله اول جمهوری اسلامی: تهیه شده و مصوب شورای مشترک برنامه‌ریزی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

15. Human Development Replot. 2000. [on-line]. Available: <http://hdr.undp.org/report/geloball/2000>.

16. "The IFLA/Unesco Public Library Manifesto". 1994. [on-line]. Available:

گل سنا گلینی مقدم. پیام کتابخانه، دوره هشتم، ۱ (بهار ۱۳۷۷): ۶-۱۲.

۲. پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸-۱۳۷۲. مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و مشارکت، ۱۳۶۹.

۳. پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳-۱۳۷۷: پیشنهادی: هدفها، خطمشی‌های اساسی، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی: کلان و بخشی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، ۱۳۷۲.

۴. سازمان برنامه و بودجه. دفتر اقتصاد کلان. سابقه برنامه‌ریزی در ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۷.

۵. سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹-۱۳۸۳. ج ۱ و ۲. پیوست شماره ۱ و ۲ لایحه برنامه. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸.

۶. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸-۱۳۷۲. مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۶۸.

۷. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴-۱۳۷۸. مصوب ۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۴.

۸. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی،

<http://www.ifla.org/vii/s8/unesco/eng.htm>.

17."Revision of IFLA's Guidelines for Public Libraries". 2000. on-line]. Available: <http://www.ifla.org/ii/58/proj/gp/htm>.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۱۱/۱۱

